



## اتحاد نرم: الگوی نوین اتحادسازی در روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق



دکتر عبدالمجید سیفی\* - دکتر ناصر پورحسن\*\*

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

### چکیده

روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق طی دوران پس از انقلاب اسلامی، از تقابل خونین در جنگ هشت ساله، پس از سقوط صدام حسین، به روابطی عمیق و چندجانبه متحول شده است. این دگردیسی و تغییر پارادایمیک، مسأله‌ای علمی و بایسته پژوهش است. در این راستا پرسش اصلی پژوهش مطرح می‌شود که ماهیت اتحاد در روابط جمهوری اسلامی ایران با عراق در دوره پساصدام چگونه است؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق پساصدام، مبتنی بر اتحاد نرم بوده است. این اتحاد، با هدف مقابله با طیفی تهدیدات نوپدید، ایجاد شده و الزاما برای مقابله با تهدیدات سخت افزاری و کلاسیک یک کشور خاص نبوده است. اتحاد نرم بر مبنای اشتراکات چندجانبه دو کشور، در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و در لایه‌های مختلفی فروملی و ملی در بین دو کشور، نهادینه شده است. داده‌های خام در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع معتبر گردآوری و با روش تحلیلی با رویکرد توصیفی-تحلیلی پردازش شده است.

### کلیدواژگان

اتحاد نرم، اتحاد سخت، ایران، عراق، همسایگی

### مقدمه

بخش اعظم جمعیت ایران و عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند به گونه‌ای که بیشترین تعداد شیعیان جهان در این دو کشور زندگی می‌کنند. علیرغم این اشتراک هویتی و مذهبی مهم، از وقتی توافق سور در سال ۱۹۲۰ امضا شد، و پس از آن ملک فیصل در ۲۳ اوت ۱۹۲۱ در بغداد بر تخت

\* نویسنده مسئول، استادیار گروه علوم سیاسی، علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله بروجردی. بروجرد. ایران. / ایمیل:

[seifi@abru.ac.ir](mailto:seifi@abru.ac.ir)

\*\* دانشیار گروه علوم سیاسی، علوم انسانی، آیت‌الله بروجردی، بروجرد، ایران.

نشست و سپس عراق در سال ۱۹۳۲ به استقلال سیاسی دست یافت تا سقوط صدام در ۲۰۰۳، روابط دو کشور مملو از تعارض و تنش بود. این تنش‌ها که منبعث از اختلافات ژئوپلیتیکی، تمایلات ملی‌گرایانه و قوم‌مدارانه بین دو کشور و به‌ویژه متاثر از ساخت‌های سیاسی حاکم بر دو کشور و نیز متاثر از ساختار نظام بین‌الملل بود، بر اشتراکات مذهبی و هویتی دو کشور سایه افکنده بود. این تعارضات چندین بار دو دولت را در آستانه جنگ در طی ادوار مختلف قرار داد که نقطه اوج آن جنگ ۸ ساله تحمیلی عراق علیه ایران بود. بطور کلی روابط تهران و بغداد، از کودتای حزب بعث در سال ۱۹۶۸ تا حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، نه تنها در حالت عادی نبود بلکه در بسیاری از مقاطع زمانی مبتنی بر تعارض بود.

سقوط صدام و انحلال حزب بعث در پی حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳، نقطه عطف مهمی در روابط عراق و جمهوری اسلامی و سرآغازی برای یک تغییر پارادایمیک در روابط دو کشور بود. با انتقال قدرت از «پل برمر» حاکم نظامی آمریکا و تشکیل دولت ملی در عراق و قرار گرفتن شیعیان در راس قدرت، شرایط زمینه‌ای برای گذار از وضعیت تعارض به همکاری در روابط عراق و جمهوری اسلامی ایجاد شد. تهاجم داعش به عراق و تصرف قسمت‌هایی از خاک این کشور و حمایت همه‌جانبه ایران در حوزه‌های نظامی، مستشاری، اقتصادی از دولت عراق سبب شد تا نوعی پیوند در امنیت هستی‌شناختی طرفین ایجاد شود. این پیوند، به سرعت در تمام حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسط یافته و به نوع جدیدی از اتحاد مبدل شده که با الگوهای اتحاد در گذشته بسیار متفاوت است. روابط ایران و عراق در این مقطع زمانی در قالب گونه‌ای از اتحاد با نام اتحاد نرم قابل تبیین است.

وضعیت مذکور، مساله این مقاله است که از معبر این سوال تحلیل می‌شود: «ماهیت اتحاد در روابط جمهوری اسلامی ایران با عراق در دوره پساصدام چگونه قابل تبیین است؟». پاسخ به سوال مذکور اینگونه صورت‌بندی می‌شود: «روابط ایران و عراق پس از سقوط صدام با تبدیل به روابط چندبعدی، دارا بودن بعد غیرانگیزشی و گسترش به روابط فرادولتی، شاهد گذار به اتحاد نرم است». داده‌های این مقاله با روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع معتبر گردآوری و با روش تحلیلی با رویکرد توصیفی-تحلیلی پردازش می‌شود. تبیین علمی روابط جمهوری اسلامی و عراق که ظرفیت‌های دوگانه تضاد/همکاری با ایران را دارد، موجب بی‌اعتباری برخی تحلیل‌ها که ماهیت روابط عراق با ایران را دست‌نشانده‌گی و نیابتی معرفی می‌کنند، می‌شود و بر تعمیق روابط آنها می‌افزاید.

### ۱- پیشینه پژوهش

در مورد روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق دو نوع رویکرد در آثار پژوهشی وجود دارد. در دسته نخست، با توجه نوع روابط متخاصمانه ایران و عراق معاصر تا سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و نیز به قدرت رسیدن شیعیان در عراق، بخش عمده پژوهش‌ها در سطح کشورهای منطقه و غرب، نسبت به روابط دو کشور، منفی بوده و سقوط صدام را تسلیم عراق به ایران از طریق نفوذ گروه‌های

شبه نظامی، و سرآغاز توسعه طلبی منطقه ای ایران و تبدیل آن به جبهه امنیتی ایران در خاورمیانه تعبیر کرده‌اند. نویسنده مقاله «ایران و عراق؛ از رقبا تا متحدان: نقش در حال تحول ایران در ژئوپلیتیک عراق»<sup>۲</sup> پس از بررسی روابط تاریخی دو کشور، عراق پسا صدام را کانون رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی معرفی کرده که ایران به دلیل پیوندهای هویتی توسط نیروهای نیابتی عراق را به متحد خود تبدیل کرده است. بر این اساس، قرابت هویتی بین ایران و عراق زمینه‌ای را فراهم آورده که توانسته سطوح روابط را از سطح صرفاً دولت به دولت خارج کرده و بخش قابل توجهی از جمعیت دو کشور را به هم پیوند دهد (Seloom, 2024).

دسته دوم، ماهیت تحولات روابط جمهوری اسلامی با عراق از سال ۲۰۰۳ با رویکرد متفاوتی تحلیل شده است. پورحسن و خوشنام‌وند (۱۳۹۹)، روابط جمهوری اسلامی ایران و عراق پسا صدام را تحت عنوان «مرز نرم» مفهوم‌بندی کرده‌اند. بر اساس تحلیل آنها، به دلیل هویت‌های مشترک مذهبی، مرزهای سخت و متشنج بین دو کشور پس از سقوط صدام به‌ویژه در ایام اربعین به گونه‌ای منعطف شد که گویی وجود ندارند.

سینی و پورحسن (۱۳۹۷) نیز همکاری جمهوری اسلامی و عراق پس از حمله داعش به عراق را بر اساس نظریه موازنه تهدید تحلیل کرده‌اند. نویسندگان معتقدند که وجود تهدید مشترک داعش با توجه به توان و انگیزه‌های داعش برای آسیب زدن به جمهوری اسلامی ایران و عراق سبب شد نوعی موازنه تهدید بین ایران و عراق شکل بگیرد. بر مبنای نظر این نویسندگان، هرچند تهدید داعش ماهیتی هویتی داشت اما این موازنه‌گرایی بر ضد تهدید مشترک سبب ایجاد نوعی اتحاد سخت بین دو دولت شد. مقاله حاضر نخستین پژوهشی است که در زبان فارسی با بهره‌گیری از چهارچوب نظری اتحاد نرم صورت می‌گیرد و تلاش دارد نشان دهد که شاهد نوعی گذار از شکل سنتی اتحادهای سخت در روابط ایران و عراق هستیم.

## ۲- چارچوب نظری: اتحاد نرم

ائتلاف و اتحاد، بخش پایدار روابط بین‌المللی بوده و بدون در نظر گرفتن ماهیت قدرت‌ساز و هویت‌پرداز آن در طول تاریخ روابط بین‌المللی و تحول و دگرذیسی آن در نشیب و فرازهای قدرت در جهان معاصر، سیاست جهانی قابل درک نیست. موضوع اتحادها از چالش‌برانگیزترین مسائل در مطالعات محققان روابط بین‌الملل است. ائتلاف‌ها و اتحادها در دوران جدید روابط بین‌المللی، نماها و نمودهای نوینی یافته‌اند. در یک نگاه کلان، در عین تداوم ائتلاف و اتحادهای نظامی، واژگان ائتلاف و اتحاد برای حوزه‌ها و سپهرهای غیرنظامی نیز بکار برده می‌شود (سجادپور، ۱۴۰۳: ۱). در ارزیابی‌های منسجم‌نخستین به مسئله اتحادها نگاه مادی‌تر و مبتنی بر قدرت نظامی کاملاً برجسته است. این نوع اتحادها که در قالب اتحاد سخت از آنها یاد می‌شود، عمدتاً در مقابل یک دشمن مشترک شکل می‌گیرند و اولویت نیازهای مهم امنیتی اعضای اتحادها است. در این اتحادها نوع

<sup>۱</sup>. Security Front

<sup>۲</sup>. From Rivals to Allies: Iran's Evolving Role in Iraq's Geopolitics

تعهد سطح بالا وجود دارد و معمولاً منجر به شکل‌گیری یک ترتیب منطقه‌ای یا بین‌المللی می‌شود و با توجه به میزان سطح خصومت طرف مقابل حتی سیاست‌های داخلی خود را مبتنی بر آن اتحاد تنظیم می‌کنند. در اتحاد‌های سخت، نوعی مسئولیت متقابل در بین اعضا وجود دارد که معمولاً در قالب یک معاهده بین‌المللی مدون می‌شود تا علاوه بر معین شدن مسئولیت‌های طرفین، نقض معاهده توسط اعضا را دشوار ساخته و نوعی مسئولیت حقوقی و امنیتی برای اعضا ایجاد می‌کند. از نظر وایکر، تشکیل یک اتحاد سخت می‌تواند احتمال تشکیل اتحاد متقابل را افزایش داده و معمولاً هدف از این اقدام، حفظ موازنه قوا است (Sabrosky, 2020: 22-24).

استفن والت اولویت در تشکیل اتحادها را به معطوف به مسئله تهدید می‌کند. محور صورت-بندی والت را این امر شکل می‌دهد که اساس تشکیل اتحادها در سطح بین‌المللی موازنه تهدید است و نه موازنه قوا. دولت‌ها در واکنش به تهدیدات دست به اتحاد با یکدیگر می‌زنند، تهدیداتی که شاید تماماً بر پایه قدرت دولت معارض استوار نباشد. از این جهت، والت اساس تهدیدات و در نتیجه واکنش دولت‌های معطوف به برقراری توازن را بیشتر در نیت می‌بیند تا در قدرت محض. به همین دلیل وی موازنه تهدید را (به جای موازنه قوا) به‌عنوان دلیل اصلی برای تشکیل اتحادها می‌داند. از آنجا که ادراک تهدید به شدت روی اتخاذ تصمیم در صف‌بندی به‌عنوان اساس سیاست برقراری توازن تاثیر می‌گذارد، اتخاذ چنین سیاستی احتمالاً به زمان صلح (یعنی زمانی که به بازدارندگی تاکید می‌شود) یا به مراحل نخستین منازعات اختصاص دارد (Walt, 1999: 28).

این نوع اتحادها فارغ از منشا شکل‌گیری آن سطح بالایی از تعهد برای طرفین در حوزه‌های مختلف ایجاد می‌کنند. این مسئله به شکل‌گیری گونه‌ای دیگر از اتحادها با نام اتحادهای نرم منجر شده است. در این گونه از اتحادها، طرف‌های اتحاد با محدودیت‌های زیادی روبرو نیستند. آنها اختیار دارند تا میزان مشارکت و سطح آن را با توجه به شرایط خود به شکل آزادانه انتخاب نمایند و فشاری برای پذیرش تعهدات نسبت به اعضای مشارکت‌کننده صورت نمی‌گیرد. بنابراین، اتحادهای نرم معمولاً در قالب یک سازمان شکل نمی‌گیرد بلکه مبتنی بر یک برنامه یا نقشه راه و براساس یک سلسله اصول و برای رسیدن به یک مجموعه‌ای از اهداف تشکیل می‌شود و این مسئله اختیار عمل بیشتری برای دولت‌ها برای ورود به اتحادهای نرم می‌دهد. همچنین برخلاف اتحادهای سخت که نقش ایدئولوژی معمولاً در آنها برجسته است، در اتحادهای نرم بر ایدئولوژی تاکید چندانی نمی‌شود هرچند در صورت اشتراکات ایدئولوژیک نیل به اتحاد نرم با سهولت بیشتری انجام می‌شود. این کاهش نقش ایدئولوژی در اتحادهای نرم سبب می‌شود تا دولت‌های بیشتری بتوانند در قالب یک اتحاد نرم در پی تحقق منافع خود باشند (Sabrosky, 2020: 48).

اتحادهای نرم دارای چند بعد هستند که آنها را از گونه‌های دیگر اتحاد متمایز می‌سازد:

## ۲-۱- بعد غیرانگیزی

یکی از ویژگی‌های مهم اتحادهای نرم، ویژگی انگیزی آن است. این بدان معناست که اتحادهای سخت معمولاً منجر به شکل‌گیری اتحادهای مخالف و مقابل می‌شوند. برای نمونه، در زمان جنگ سرد، پیمان ورشو اتحاد سختی بود که توسط اتحاد جماهیر شوروی و متحدان، برای تقابل با ناتو

ایجاد شده بود. اما اتحاد نرم عمدتاً فاقد چنین ویژگی انگیزشی است زیرا هدف آن عمدتاً صرفاً یک دولت خاص نیست و می‌تواند مقابله با خطراتی باشد که دارای سرچشمه‌های چندگانه بوده یا پیچیدگی بیشتری داشته باشند. اتحاد نرم همچنین در مقابل یک اتحاد دیگر نیست یعنی در مقابل اتحادهای سایر دولت‌ها شکل نمی‌گیرد

## ۲-۲- بعد پیوندهای فرادولتی

روابط دو طرف در اتحاد نرم صرفاً در سطح دولت نیست. در حالیکه در اتحاد سخت روابط فقط در سطوح دولتی برجسته است، در اتحاد نرم این روابط در سطوح فروملی نیز بسط می‌یابد. این روابط می‌تواند شامل ارتباطات نهادهای فرهنگی و مذهبی غیردولتی و گروه‌های انسانی باشد. همچنین این روابط می‌تواند در قالب همکاری ایالات و استان‌های دولت‌ها با یکدیگر باشد. بر این اساس، پارادایم‌سازی بخشی مهم در تنظیم روابط طرفین تبدیل می‌شود و روابط دو کشور دارای پیوندهای پیچیده در سطوح فروملی می‌گردد.

## ۲-۳- روابط چندبعدی

ویژگی مهم دیگر اتحادهای نرم، اهمیت‌یابی سایر حوزه‌ها در کنار بعد مادی امنیت محور و نظامی‌گرا است. در حالیکه در اتحادهای سخت عمدتاً برای ایجاد موازنه از ابزارهای نظامی بهره جسته می‌شود، در اتحادهای نرم علاوه بر توجه به حوزه‌های نظامی و امنیتی، به سایر حوزه‌ها نیز توجه می‌شود. از این منظر، اتحادهای نرم معمولاً دارای ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز است. این بدان معناست که در اتحادهای نرم، از ابزارهای اقتصادی در قالب پیمان‌های تجارت آزاد، قراردادهای رفع موانع تجاری، پیمان‌های استفاده از ارزهای متقابل، پیوندها در حوزه انرژی، کمک اقتصادی و ... در جهت اهداف کلان اتحاد بهره گرفته می‌شود. روابط فرهنگی عامل مهمی در تنظیم روابط طرفین است و در سطح سیاسی طرفین به سطح بالای مفاهیم در موضوعات مختلف سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی رسیده و نگاهی مشترک در حوزه مختلف پیدا می‌کنند. همچنین اتحادهای نرم می‌تواند شامل همکاری بین اعضای اتحاد در مناطق دیگر شود. برخلاف اتحادهای سخت که عمدتاً تمرکز به یک دشمن یا ائتلافی از دشمنان دارند، اتحادهای نرم می‌تواند شامل همکاری در مناطق مختلف با جنبه‌های پیشگیرانه باشد (Sabrosky, 2020: 48).

## ۳- ایران و عراق: از انباشت تضاد دوره پیشاصدام تا تعارض در دوران صدام

روابط ایران و عراق تا سال ۲۰۰۳، در بستر تعارض و تضادهای بنیادینی قرار داشت که بنا به مصالح بین‌المللی یا تنگناهای داخلی، موجب توافقنامه‌هایی شده است. اختلافات هویتی ایران و امپراتوری عثمانی در قرن ۱۹ به موافقت‌نامه‌های ارزروم اول و دوم منتهی شد و اتحادهای سخت میان قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و بریتانیا موجب شد پروتکل‌های ۱۹۱۱، ۱۹۱۳ و ۱۹۳ بین عثمانی و سپس عراق و ایران شد (پورحسن و خوشنام‌وند، ۱۳۹۹: ۸۰-۸۱)؛ (Pourhassan and Khoshnamvand, 2020: 80-81).

نگرش‌های شوینیستی در گفتمان پهلویسم و نیز توسعه‌طلبی‌های پان‌عربیستی حزب بعث در عراق موجب شد، روابط دو کشور در سطح جنگ سرد باقی بماند تا اینکه در نهایت به طولانی‌ترین

جنگ قرن بیستم منتهی شد. روابط سیاسی رسمی ایران و عراق در سال ۱۳۰۸ آغاز شد. نخستین اختلاف بین دو کشور بر سر اروندرود در سال ۱۳۱۳ با شکایت عراق به جامعه ملل کلید خورد که پس از توصیه به مذاکره توسط جامعه ملل منجر به انعقاد قرارداد بین دو کشور در سال ۱۳۱۶ شد. با این وجود، تا زمان پایان حکومت پادشاهی در عراق در سال ۱۹۵۸ روابط مثبتی بین دو طرف وجود داشت که پیمان سعدآباد و پیمان بغداد که با هدف جلوگیری از گسترش کمونیسم شکل گرفته بود، نشانگان این فضای مثبت در روابط دو کشور بود. با کودتای عبدالکریم قاسم و روی کار آمدن چپ‌گرایان، عراق از پیمان بغداد خارج شد و تقویت پان عربیسم نگرانی شاه را برانگیخت. این بدان معنا بود که علاوه بر طرح ادعاها و اختلافات مرزی تعارضات ایدئولوژیک نیز به حوزه‌های اختلافات طرفین افزوده شد. عبدالکریم قاسم اعلام کرد که عراق در سال ۱۳۱۶ تحت فشار قسمتی از عرض اروندرود را در اختیار ایران قرار داده و به ترتیب نوعی ادعای سرزمینی بر ضد ایران مطرح نمود. ایران در ابتدا تلاش کرد از طرق دیپلماتیک این اختلاف را مدیریت کند ولی اصرار بالای حکومت چپگرایی عبدالکریم قاسم سبب شد طرفین در آستانه جنگ قرار گیرند (میرفندرسکی، ۱۳۸۲: ۱۹۵)؛ (Mirfendereski, 2002: 195).

با سقوط عبدالکریم قاسم و روی کار آمدن عبدالسلام عارف و سپس عبدالرحمن عارف، از میزان تنش‌ها تا حدی کاسته شد اما روی کار آمدن حزب بعث دور جدیدی از تشدید تعارضات بین دو طرف را ایجاد کرد. در این دوره، در کنار تعارضات فکری حاکم بر حکام دو کشور و پان عربیسم شدید حاکم بر رژیم بعث، تمایلات دو طرف به هر یک از بلوک‌های شرق و غرب سطح تنش‌ها را بالاترین حد رساند. این تنش‌ها منجر به اخراج گسترده ایرانیان ساکن در عراق و ترویج سیاست‌های ایران‌ستیزانه توسط رژیم بعث شد. متعاقب به قدرت رسیدن حزب بعث، وزارت امور خارجه عراق اروند رود را جز لاینفک عراق اعلام نمود و از ایران خواست نسبت به عدم نصب پرچم خود بر روی کشتی‌ها اقدام کند. پس از این اقدام، ایران عهدنامه ۱۹۳۷ را باطل اعلام کرد و خواستار آن شد تا قراردادی براساس خط تالوگ بین دو کشور منعقد شود. (هوشنگ مهدوی، ۱۴۰۲: ۳۵۸)؛ (Houshang Mahdavi, 2023: 358).

با میانجی‌گری «هواری بومدین» رئیس جمهوری الجزایر، ایران و معاهده ۱۹۷۵ بین دو طرف به امضا رسید که براساس آن خط تالوگ به‌عنوان خط مرزی دو کشور شناخته شد و ایران به شکل ضمنی پذیرفت که از کردهای عراق حمایت نکند. با انعقاد معاهده ۱۹۷۵ تا حدودی از میزان تنش‌ها بین طرفین کاسته شد اما با وقوع انقلاب اسلامی و تغییرات عمده‌ای که در نظم منطقه‌ای در خاورمیانه ایجاد شده بود، صدام در پی جبران امتیازاتی بود که براساس معاهده ۱۹۷۵ از دست داده بود. صدام در سال ۱۹۸۰ از قرداد الجزایر خارج شد و با حمله گسترده به ایران جنگی ۸ ساله را آغاز نمود (Sari, 2021: 427).

علیرغم تشابهات مذهبی مردم ایران و عراق، در دوره جنگ هشت ساله، رگه‌های ناسیونالیستی موجب شدت تعارضات بین آنها شد. در جنگ ایران و عراق، ایده ایثار به‌عنوان بخشی از باور دینی، که به شدت با استفاده از ایدئولوژی و تاریخ شیعی انرژی می‌گیرد، با بحث ادغام ناسیونالیسم ممزوج

شد (86: 2008, Farzaneh). اگرچه سیاست خارجی کشورها صرفاً توسط شخص حاکم، تدوین و اجرا نمی‌شود، اما نقش صدام در عراق بسیار پررنگ بود و تمامی دال‌های شناور مستتر در عراق را علیه دگر ایرانی، مفصل‌بندی نمود. بر این اساس، تلاش صدام برای ارتقای خود به‌عنوان زعيم جهان عرب در قالب تعارضات مبتنی بر ناسیونالیسم متجلی شد و سایه‌ای بر اشتراکات هویتی افکنده شد. اوج این واگرایی در زمان جنگ تحمیلی بود و با شدت کمتر از زمان پایان جنگ تا زمان رژیم بعث در عراق ادامه داشت. حکومت بعث کوشش کرد با امنیتی‌سازی هویت شیعی آن را سرکوب نماید تا مانع نزدیکی شیعیان با ایران شود و نوعی هویت مشترک مبتنی بر عربیسم برای ملت عراق ایجاد کند (پورغلامی و نادرپور، ۱۴۰۳: ۲۸۸)؛ (Pourgholami and Naderpour, 2024: 288).

#### ۴- بستر سازی اتحاد نرم در دوره پساصدام

پایان زعامت صدام بر عراق در پی حمله ایالات متحده در سال ۲۰۰۳ نقطه عطف مهم تاریخ روابط ایران و عراق است. پس از پایان دوره گذار و تحویل حکومت عراق از دولت نظامی به دولت عراق، شیعیان توانستند قدرت را در دست بگیرند (Seloom, 2024). این برای نخستین بار در دوران معاصر عراق بود که شیعیان در چنین جایگاهی قرار می‌گرفتند و عملاً زمینه برای افزایش همکاری طرفین فراهم شد. خروج نیروهای ایالات متحده از عراق از دسامبر ۲۰۰۷ آغاز شد و عمده‌تاً تا دسامبر ۲۰۱۱ تکمیل شد. این خروج آغاز ارتقای سطح روابط ایران و عراق از همکاری به نوعی اتحاد است که نشانگان این اتحاد آن را در قالب اتحاد نرم قرار می‌دهد.

#### ۴-۱- بعد غیرانگیزشی

دلیل اصلی اتحاد سخت، تهدید یا ادراک آن از سوی یک کشور یا کشورهای دیگر است. اگرچه امروزه این انگیزه همچنان دلیل تشکیل بسیاری از اتحادهای سخت است، اما انگیزه‌های دیگری برای ایجاد اتحادها وجود دارد که ماهیت آنها را متحول کرده است. همچنین وجود تهدید از سوی برخی کنشگران غیردولتی، موجب شکل‌گیری اتحادها می‌شود. در همین حال، گونه جدیدی از اتحادها بین یک کشور با کنشگران غیردولتی در کشور دیگر نیز حاصل می‌شود. اتحادهایی که در این رابطه ایجاد می‌شوند، با اتحادهای سخت کلاسیک متفاوتند. اتحادهای سخت عمده‌تاً منجر به شکل‌گیری اتحادهای مخالف می‌شوند. اساس موازنه‌گری به‌ویژه در سطح منطقه‌ای اقتضا می‌کند تا سایر دولت‌ها به سمت ایجاد یا تقویت اتحادهای متقابل حرکت کنند. اتحاد نرم دارای ویژگی غیرانگیزشی است و سبب برانگیختن سایر کنشگران منطقه‌ای برای ایجاد اتحاد نمی‌شود. شراکت ایران و عراق در دو دهه اخیر اساساً در مقابل یک اتحاد دیگر نبوده و انگیزه‌ای برای ایجاد اتحادهای متقابل ایجاد نموده است.

بعد غیرانگیزشی اتحاد نرم صرفاً شامل عدم جهت‌گیری در مقابل طرف ثالث خارجی است اما دارای بعد همکاری در مقابل تهدیدات مشترک از سوی منابع مختلف است. این تهدیدات شامل تهدیدات امنیتی و غیرامنیتی است. نمونه همکاری در تهدیدات امنیتی مشترک را می‌توان در مقابل داعش مشاهده نمود. داعش با تصرف بخش‌هایی از سوریه و عراق به‌عنوان یک کنشگر نوظهور غیردولتی، تهدیدات هستی‌شناختی امنیتی را متوجه موجودیت عراق و سپس جمهوری اسلامی

ایران کرد. اتحاد ایران و عراق برای مقابله با داعش، یک اتحاد نرم در مقابل یک کنشگر غیردولتی و فاقد جهت‌گیری در مقابل سایر دولت‌ها بود.

ایران نخستین کشوری بود که با ورود داعش، به یاری عراق شتافت. عقب‌نشینی بخش قابل‌توجهی از ارتش عراق همچنین منجر به ارائه حمایت فوری نظامی ایران از دولت عراق در قالب تسلیحات و اطلاعات نظامی شد. این سیاست ایران در همکاری با عراق در مقابله با داعش با مخالفت سایر دولت‌ها مواجه نشد (Fibbert, 2023: 39). این عدم مخالفت، به دلیل اشراف سایر دولت‌ها به بعد غیرمتخاصمانه این اتحاد در مقابل سایر دولت‌ها بود و از سوی بسیاری از کنشگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای این هم‌پیوندی مورد تقدیر قرار گرفته و گام مهمی در جهت مقابله با گسترش نفوذ داعش در منطقه تلقی شد (Hadad, 2024).

بعد دیگر، مقابله با تهدیدات غیرامنیتی است که برخی از آنها در زمره تهدیدات نوپدید دسته‌بندی می‌شوند. ماهیت همکاری در مواجهه با تهدیدات نوپدیده با تهدیدات سخت بسیار متفاوت است که نمونه آن را در مواردی نظیر همکاری‌های زیست‌محیطی مشاهده نمود. برآیند کاهش میزان بارش و تصمیمات کشورهای بالادستی برای محدودسازی جریان آب به داخل عراق، موجب شده ریزگردها به یکی از مهمترین تهدیدات علیه مردم ایران و عراق تبدیل شوند (محرابی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۰۵)؛ (Mehrabi et al., 2023: 105). راهکار مقابله با چنین تهدیدات نوینی، گذار از دیپلماسی سنتی به گونه‌های جدیدتر آن «دیپلماسی فاجعه» است. که در بستر اتحادهای نرم قابل تحلیل است. فاجعه اختلالی در زندگی عادی انسان‌هاست که منشا آن یا طبیعی است مانند زلزله، یا انسانی است مانند جنگ منتهی به آوارگی و یا ترکیبی از منشاها طبیعی - انسانی مانند پیدایش ریزگردهاست. دیپلماسی فاجعه که به تلاش‌های یک کشور برای ارائه کمک و حمایت به سایر کشورهای آسیب دیده از بلایای طبیعی / انسان ساز یا درگیری‌ها اطلاق می‌شود، توسط دولت‌ها و نیز نهادهای غیردولتی و کنشگران انجام می‌شود (Kelman, 2020: 29-30).

اولویت یافتن سیاست همسایگی جمهوری اسلامی که با هدف تامین منافع مشترک ایران و همسایگانش طی سال‌های اخیر، نیز بر تقویت بنیان‌های اتحاد نرم ایران با عراق موثر بوده است. در این راستا، تعمیق روابط ایران با همسایگان به محور گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و با توجه قرابت با عراق سیر گذار به اتحاد نرم با عراق را تسریع نموده است.

#### ۴-۲- پیوندهای فرادولتی

درحالی‌که در اتحادهای سخت پیوندها در سطح دولت‌ها به‌عنوان کنشگران اصلی برقراری می‌شود، اتحادهای نرم صرفاً به روابط دولتی محدود نیست و دارای کنشگران مختلف است. در حقیقت، در اتحادهای نرم، سطح روابط به کنشگران فرودولتی بسط یافته است. بسط پیوندهای فرادولتی و فرودولتی ایران و عراق در سطوح مختلف قابل توجه است. با توجه به بافت قومی و مذهبی ایران و عراق، روابط دو کشور در دو سطح رسمی و غیررسمی قابل تحلیل است

<sup>1</sup>. Disaster Diplomacy

(Mahmoudian, 2023: 304). در بخش‌هایی از مقاطع تاریخی، میان نظام‌های سیاسی با بافتار مذکور، تقارن وجود نداشته است. به این دلیل دولت‌های ایران یا عراق با ملت خود یا با دولت و ملت دیگر، در تقابل بوده‌اند. این وضعیت وقتی حادث می‌شد که ناسیونالیسم افراطی، گرایش حاکم بر دولت-های ایران یا عراق بود. پس از سقوط صدام نوعی تقارن کامل میان دولت‌ها و ملت‌های ایران و عراق حاکم شده است.

با توجه به بافت مذهبی ایران و عراق، وجود عتبات مقدس در عراق، و حوزه‌های علمیه نجف، روابط مردم دو کشور به استثنای مقاطع خاص زمانی همواره وجود داشته است. مراجع مذهبی، روابطی فرامرزی داشته و مقلدین آنها در دو سوی مرزهای رسمی ایران و عراق بوده‌اند. مراجع بزرگ تقلید شیعیان اعم از عراقی و ایرانی دایما بین دو کشور در حال تردد بوده‌اند. در حال حاضر آیت‌الله سیستانی در نجف زندگی می‌کند. وی که متولد سال ۱۳۰۹ در مشهد است بعد از قریب شصت سال زندگی در عراق هنوز گذرنامه ایرانی دارد (موسویان، ۱۴۰۰: ۲۸۷)؛ (Musavian, 2021: 287). همچنین، برخی از بلندپایه‌ترین مقامات ایران پس از انقلاب، متولد عراق بوده یا مدتی طولانی در این کشور زندگی کرده‌اند پیوند عمیق تاریخی بین دو کشور در ارزیابی آمریکایی‌ها لحاظ نشده بود. پس از سقوط صدام، تجربه ایران در عراق نیز تکرار شد و بسیاری از مقامات دولت عراق، سال‌های طولانی در ایران زندگی کرده بودند و گروه‌های شبه‌نظامی مانند سپاه بدر در ایران ایجاد شدند (Metz, 2023: 45). با توجه به چنین بافتاری، روابط ایران و عراق جدید از یکسو احیای روابط و مناسبات مردمی و اجتماعی گذشته بود که البته با سیاست‌های حمایتی دولت‌های مرکز تهران و بغداد تعمیق شد. یکی از نشانگان اصلی پیوندهای فرادولتی، تردد دائمی زائران دو کشور برای زیارت اماکن مقدس است که اوج آن را می‌توان در ایام اربعین مشاهده کرد.

پس از سقوط صدام، راهپیمایی اربعین که سال‌های متمادی در عراق برگزار می‌شد جنبه فراملی در عراق پیدا کرد و با توجه مجاورت جغرافیایی ایران و سهم بالای شیعیان از جمعیت ایران، این راهپیمایی جایگاه قابل توجهی در میان بخش زیادی از جمعیت ایران یافت. در زمان صدام، محدودیت‌های جدی برای حضور زائران در این مراسم وجود داشت و صرفاً توسط تعدادی از شیعیان عراق انجام می‌شد ولی پس از سقوط صدام و به ویژه طی دهه اخیر به یک مراسم ملی در عراق تبدیل شده و تعداد زائران ایرانی اربعین از ۸۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۸ و بیش از ۴ میلیون نفر در سال ۱۴۰۳ رسیده است این تعداد از زائران در کنار سایر زائرانی قرار می‌گیرد که در طی سال برای زیارت عتبات عالیات به عراق سفر می‌کنند. بعد دیگر این روابط به میزان بالای سفر اتباع عراقی به ایران باز می‌گردد. مرکز آمار ایران اعلام کرده که از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۳، اکثر گردشگرانی که از ایران بازدید کرده‌اند عراقی‌ها بوده‌اند که از مجموع ۶ میلیون گردشگر در سال ۲۰۲۳، بیش از ۲٫۷ میلیون نفر عراقی بوده‌اند که ۴۵ درصد از کل گردشگران وارد شده با ایران را شامل می‌شوند (تسنیم، ۱۴۰۳)؛ (Tasnism, 2024).

روابط ایران و عراق پساصدام در سطح رسمی و دولت‌های مرکزی محدود نشده است بلکه با واگذاری اختیارات بیشتر به نهادهای سیاسی فروملی رسمی در سطح استان‌ها، تعمیق شده است.

به علاوه نهادهای غیررسمی غیرسیاسی مانند دانشگاه‌ها، همچنین تشکل‌های غیردولتی و بخش خصوصی نیز وارد روابط جدید دو کشور شده‌اند. تحولات مذکور را می‌توان با مفهوم «پارادایلماسی»<sup>۱</sup> بهتر تبیین کرد. پارادایلماسی یعنی نقش‌آفرینی هویت‌های فرو ملی در عرصه سیاست خارجی و مشارکت آنان به موازات دولت مرکزی در عرصه روابط بین‌الملل بویژه با همسایگان (پورحسن و خالقی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۴۸)؛ (Pourhassan and Khaleghinejad, 2017: 48). هرچقدر دو کشور همسایه دارای، اشتراکات فرهنگی، تاریخ، قومی و مذهبی باشند، امکان سودمندی پارادایلماسی بیشتر است. ایران و عراق ۱۶۰۹ کیلومتر مرز مشترک دارند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱: ۵۲)؛ (Ja'fari valdani, 1992: 52). در امتداد این مرز، ۵ استان ایران با استان‌های مختلف عراق همجواری دارند. این استان‌ها از نظر زبانی، فرهنگی و مذهبی به گونه‌ای مشترک هستند که زیرساخت لازم برای همکاری‌های گسترده میان آنها را فراهم می‌کند. بخش‌هایی از استان آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و ایلام تقریباً با مناطق کردنشین عراق همسایه هستند. استان خوزستان نیز با مناطق عرب‌نشین عراق همجواری دارند. طی سال‌های اخیر، روابط پارادایلماتیک جمهوری اسلامی و عراق در سطوح گوناگون ایجاد شده که مصادیق آن را می‌توان در حوزه گردشگری سلامت و پذیرش دانشجویان مشاهده کرد. به علاوه همکاری بخش خصوصی دو کشور در صادرات و واردات کالاهایی که دارای مزیت نسبی دارند نیز در این راستا قابل تحلیل است. پارادایلماسی روابط را از سطوح ملی به سطوح استانی و ایالتی می‌رساند که سبب دربرگیری بخش زیادی از جمعیت دو کشور در قالب همکاری در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی می‌شود. روابط نزدیک استان‌های کرمانشاه و کردستان به اقلیم کردستان و استان خوزستان و ایلام با استان‌های جنوبی و مرزی عراق، سبب درهم‌تنیدگی اقتصادی و هویتی این مناطق شده است.

#### ۴-۳- روابط چند بعدی

برخلاف اتحادهای سخت که معطوف به نزدیکی در حوزه‌های نظامی است در اتحاد نرم نگاه چند بعدی وجود دارد. از این منظر، روابط ایران و عراق طی دو دهه اخیر مبتنی بر رویکردی چندوجهی با اولویت پیوندهای هویتی و مذهبی بوده است. این پیوندها که دارای ریشه تاریخی مبتنی بر اکثریت جمعیت شیعی در دو کشور است مبنای مهمی برای گذار روابط به سطوح مختلف بوده است. حدود ۸۸ درصد از جمعیت ایران و ۶۰ تا ۶۵ درصد از جمعیت عراق شیعه هستند که دارای پیوندهای تاریخی با یکدیگر هستند. بسیاری از ایرانیان برای زیارت به عراق مسافرت می‌کنند و ایران یکی از بزرگترین مقاصد سفر مردم عراق در حوزه گردشگری، درمان و تجارت است. سطح بالای این روابط در طی دهه اخیر سبب شده تا بسیاری از اصطلاح «مرز نرم» برای توصیف مرز ایران و عراق استفاده کنند (پورحسن و خوشنام‌وند، ۱۳۹۹: ۹۰)؛ (Pourhassan and Khoshnamvand, 2020: 90). که بیانگر تعمیق این پیوند فرهنگی و گذار از مرزهای متصلب سخت است.

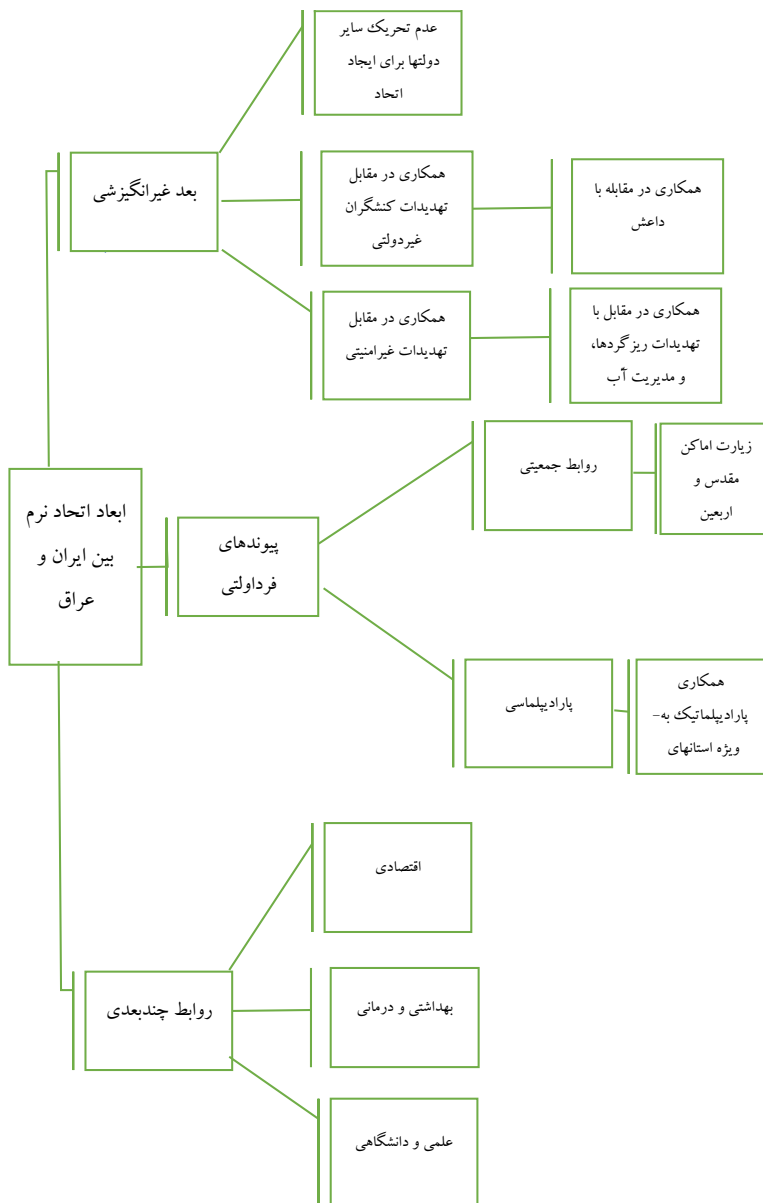
<sup>۱</sup>. Paradiplomacy

بعد دیگر روابط ایران و عراق که روند گذار به اتحاد نرم را تقویت کرده بعد اقتصادی این روابط است. روابط ایران و عراق طی دو دهه گذشته، به عرصه اقتصادی نیز سرایت کرده و طی سال‌های اخیر در پرتو سیاست همسایگی جمهوری اسلامی، به یک از اولویت‌های اصلی ایران تبدیل شده است. اتحادهای سخت بر روابط نظامی استوار هستند، و ابزار اقتصادی در اینگونه اتحادها به منظور تغییر رفتار و یا حتی تغییر رژیم علیه کشور هدف، مورد استفاده قرار می‌گیرد و تحریم که استفاده ابزاری از اقتصاد در سیاست خارجی است، طی سال‌های اخیر از ابزار بازدارندگی به ابزار جنگ تغییر کارکرد داده است (Drezner, 2019). اقتصاد در اتحاد نرم، جایگاه ویژه‌ای دارد و به جای وابستگی یکجانبه و رابطه حامی- پیرو، می‌تواند، ابزار اقتصاد مکمل دو کشور باشد. دو کشور طی دوران پساصدام همواره جز بزرگترین شرکای تجاری هم بوده‌اند و این روند طی یک دهه اخیر تقویت شده است. مجموع تبادلات بازرگانی عراق در سال ۲۰۲۳ بیش از ۱۳۰ میلیارد دلار بوده که با توجه به حجم بالای صادرات نفت عراق، سهم صادرات بیش از ۸۴ میلیارد دلار و سهم واردات حدود ۴۵ میلیارد دلار بود. بر این اساس، ایران با ۸/۹ میلیارد دلار دارای سهم ۲۰ درصدی از بازار واردات عراق است. براساس آمار، در طی دو دهه اخیر، صادرات ایران به عراق از نظر حجمی دارای رشد متوسط حدود ۲۶ درصدی در هر سال بوده است. رقم ۸/۹ میلیارد دلاری صادرات ایران به عراق در حالی است که در سال ۱۹۹۸، این رقم حدود ۳۰ میلیون دلار بود. همچنین میزان صادرات عراق به ایران طی ۲۵ سال اخیر به شکل متوسط ۱۶ درصد رشد داشته و از ۳۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۸ به ۱/۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ رسید. عراق طی دهه گذشته همواره در جمع ۵ کشور نخست هدف صادراتی ایران بوده و بیش از ۲۰۰۰ گونه مختلف کالا از ایران به عراق صادر می‌شود (Machlis, 2024).

از دیگر سطوح روابط ایران و عراق پساصدام، گسترش روابط در حوزه علمی و پزشکی است. در حالیکه عراق میراث علمی عظیمی در تاریخ خود دارد، در دوره صدام حسین دچار رکود علمی شدیدی شد. در حوزه پزشکی و درمانی به دلیل ارزان بودن خدمات پزشکی در ایران و پیشرفت‌های چشمگیر ایران در حوزه زیرساختی و نیروی انسانی، تمایل زیادی برای ورود عراقی‌ها به ایران برای دریافت این خدمات وجود دارد. گردشگری سلامت با پذیرش گسترده دانشجویان عراقی در دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران به گونه‌ای تقویت شده که یک ارتباط ساختاری میان نظام‌های درمانی دو کشور ایجاد شده است و موجب استحکام اتحاد نرم دو کشور شده است. همکاری دو کشور در حوزه علمی- درمانی که در چارچوب دیپلماسی عمومی قابل تحلیل است، پیوندهای دو کشور را گسترده‌تر کرده و اتحاد نرم را تعمیق می‌بخشد. در سال ۲۰۲۲، بیش از ۱۵۰ هزار نفر از گردشگران عراقی، با هدف گردشگری سلامت - با تمرکز بر بخش درمان و پزشکی وارد ایران شدند.

دیپلماسی علمی نیز بخش دیگری از این روابط چند بعدی است. در این راستا تعداد قابل توجهی از دانشجویان عراقی در حال تحصیل در دانشگاه‌های مختلف ایرانی هستند. براساس اعلام وزیر علوم عراق، تعداد دانشجویان عراقی در ایران نزدیک به ۱۰۰ هزار دانشجو رسیده و از این حیث، ایران پذیرای بیشترین تعداد دانشجوی عراقی است. از سوی دیگر همکاری‌های علمی بین ایران و

عراق رشد قابل توجهی داشته و بسیاری از دانشگاه‌های ایرانی و عراقی در حال همکاری در حوزه‌های جدید نظیر هوش مصنوعی، پزشکی و فناوری‌های جدید هستند.



شکل ۱- ابعاد اتحاد نرم بین ایران و عراق

Figure 1- Dimensions of the soft alliance between Iran and Iraq

منبع: (نویسندگان، ۱۴۰۴)؛ (Authors. 2025)

## نتیجه گیری

هدف این مقاله تبیین گذار روابط ایران و عراق پساصدام به ساحت اتحاد نرم است. تحلیل مواد خام پژوهشی، فرضیه مقاله را تایید می‌کند. روابط دو کشور علیرغم پایه‌های مشترک مذهبی و تاریخی، به دلایل متعدد سیاست داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به جنگ خونین و طولانی هشت ساله منجر شده بود. با این وصف پس از سقوط صدام، ماهیت روابط آنها متحول شد. در حالی که بازیگران مختلفی برای گسترش با عراق پساصدام برنامه‌ریزی کرده بودند و برخی مانند ایالات متحده هزینه‌های فراوانی پرداخت کرده بودند، رقابت شدیدی طی دو دهه اخیر وجود داشته است. جمهوری اسلامی با رویکرد اتحاد نرم، ظرفیت‌های مشترک را احیا کرده و با راهبرد روابط چندبعدی، روابط خود با عراق را نهادینه کرده است. جمهوری اسلامی صرفاً به اتحاد سخت و تکجانبه سخت کلاسیک بسنده نکرده و در بستر اتحاد نرم، روابط خود را با عراق گسترش داده است. نشانگان این اتحاد که با ابزارهای دیپلماسی فاجعه و پارادایم‌سازی به مراودات بسیار گسترده دو ملت عجین شده، باعث گردیده که مرز دو کشور منعطف شود و زمینه برای همکاری‌های گسترده‌تر در آینده مهیا تر شود.

باید توجه داشت الگوهای اتحاد و ائتلاف در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی دچار تحول شده و بسیاری از دولت‌ها در این فضا در پی بازتعریف الگوهای همکاری خود با سایر دولت‌ها هستند. از این منظر، اگرچه اتحاد نرم ایران و عراق، برقرار شده اما با توجه به برخی زمینه‌های تعارض و رقابت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، هوشمندی ویژه‌ای برای تثبیت و تقویت موقعیت مذکور لازم است. نباید تصور کرد که اتحادها دائمی هستند بلکه علیرغم مشترکات، قابل قبض و بسط هستند. برای مولفه‌های اتحاد نرم، رقابت شدید وجود دارد و همچنان که ایران بازار گردشگری سلامت ایران در بین اتباع عراقی طی سالیان اخیر و در پی پررنگ‌تر شدن نقش سایر کنشگران تضعیف شده، باید برای سایر حوزه‌ها نیز تدابیر خاصی اندیشیده شود. توصیه راهبردی دیگر این است که نباید با منطق اتحاد سخت با اتحاد نرم نگرسته شود و نباید به سمت آنتاگونیسم حرکت کرد. حفظ تعادل بعد غیرانگیزشی این اتحاد نرم اهمیت شایانی دارد زیرا در صورت برانگیختن نگرانی سایر دولت‌ها می‌تواند سایر کنشگران منطقه‌ای را به سمت اتحادها و ائتلاف‌های متقابل تشویق نموده و چرخه تعارض در منطقه آشوب‌زده خاورمیانه را تقویت کند.

## منابع فارسی

۱. پورحسن، ن. خوشنام وند، ا. (۱۳۹۹). شکل‌گیری مرز نرم در روابط ایران و عراق در دوره پساصدام، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۶۴ (۱)، صص ۷۳-۱۰۵.
۲. پورحسن، ن. خالقی نژاد، م. (۱۳۹۶). پارادایم‌سازی، تهران: سخنوران.
۳. پورعلی، پ. دهشیری، م. قانلی، م. خداوردی، ح. (۱۴۰۰). رویکردهای دیپلماسی فرهنگی ایران در عراق پس از سقوط صدام، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۱۱ (۱)، ۶۹-۹۹.
۴. پورغلامی، ط. نادرپور، ب. (۱۴۰۳). هویت سیاسی فرقه‌ای و ثبات سیاسی در عراق؛ تحلیل

- مقایسه‌ای عصر صدام و پساصدام، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۲۱ (۲)، ۲۸۱-۲۹۴.
۵. جعفری ولدانی، ا. (۱۳۷۱)، کانون‌های بحران در خلیج فارس، تهران: انتشارات کیهان.
۶. خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۳). در:
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/06/04/3147957>
۷. سجادی‌پور، م. (۱۴۰۳). راه‌اندازی ائتلاف‌های کوچک؛ سناریوی تازه امریکا برای مهار چین، در:
- <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2029201>
۸. سیفی، ع. پورحسن ن. (۱۳۹۷). داعش و پدیداری موازنه تهدید در روابط ایران و عراق، مطالعات روابط بین‌الملل، شماره ۴۱، ۳۷-۶۴.
۹. عالیشاهی، ع. فروزان، ی. مسعودنیا، ح. مجیدی‌نژاد، ع. (۱۳۹۹)، سناریوهای استقلال کردستان عراق و امنیت ملی ایران، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۸ (۲)، ۱۹۱-۲۱۴.
۱۰. میرفندرسکی، ا. (۱۳۸۲). دیپلماسی و سیاست خارجی ایران از ۳ شهریور ۱۳۲۰ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ (در همسایگی خرس)، تهران: نشر علم.
۱۱. هوشنگ مهدوی، ع. (۱۴۰۲). سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی، تهران: نشر پیکان.
۱۲. محرابی، ع. ابراهیمی، ح. پناهی، م. (۱۴۰۲). تبیین تاثیر رویکردهای هیدروپلیتیک ترکیه بر بحران ریزگردها در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ۷ (۱)، ۸۹-۱۱۲.
۱۳. موسویان، ح. (۱۴۰۰). ایران و ایالات متحده آمریکا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

## References

- Crossette, B. (1995). Iraq Sanctions Kill Children, *U.N. Reports*, Available at: <https://www.nytimes.com/1995/12/01/world/iraq-sanctions-kill-children-un-reports.html>
- Drezner, D. (2019). *Economic Statecraft in the Age of Trump*, The Washington Quarterly, 42(3), 7-24.
- Farzaneh, M. (2008). Shi'a Ideology, Iranian Secular Nationalism and the Iran-Iraq War (1980-1988). *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 7(1), 86-103.
- Flibbert, A. (2023). *Iraq: Power, Institutions, and Identities*, London, Routledge.
- Hadad, H. (2024). Proxy battles: Iraq, Iran, and the turmoil in the Middle East, *The European Council on Foreign Relations*, <https://ecfr.eu/publication/proxy-battles-iraq-iran-and-the-turmoil-in-the-middle-east/>
- Kelman, I. (2020). *Disaster Diplomacy How Disasters Affect Peace and Conflict*, London: Routledge.
- Machlis, E. (2024). Shia, Tribalism and the Iraqi state: the ethno-religious dimension. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 1-21.

<https://doi.org/10.1080/13530194.2024.2373059>

8. Mahmoudian, A. (2023). *A Comparative Study on Iraq and Afghanistan: Two Nations, Similar Journeys, Different Destinations*, in, Adib Farhadi and Anthony Masys, *The Great Power Competition*, Switzerland: Springer.
9. Nader, A. (2015). Iran's Role in Iraq: Room for U.S.-Iran Cooperation? [https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE100/PE151/RAND\\_PE151](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE100/PE151/RAND_PE151)
10. Nair, B. (2021). *Gastrodiploacy in Tourist: Capturing Hearts and Minds through Stomachs*, *International Journal of Hospitality & Tourism Systems*, Exclusive Marketing Rights: Publishing India Group.
11. Ofra B. (2017). Has Israel's Support for Kurdistan's Independence Helped or Harmed the Kurds? *BESA Center Perspectives Paper* No. 637, <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2017/11/637-Does-Israel-Help-or-Hinder-the-Kurds-Bengio-final.pdf>
12. Rachel, T. (2023). The Cult of the Persuasive: Why U.S. Security Assistance Fails. *International Security*, 47(3), 95-135.
13. Rosenberg, E. (2016). *The New Tools of Economic Warfare Effects and effectiveness of Contemporary U.S. Financial Sanctions*, the Center for a New American Security (CNAS).
14. Sabrosky, A. (2020). *Alliances in U.S. Foreign Policy: Issues in the Quest for Collective Defense*, London: Routledge
15. Saramifar, Y. (2024). Collective (Non-)Memory of the Iran-Iraq War and Sectarian Thinking among Veterans-Turned-Shi'i Militia Fighters. *The Middle East Journal*, Vol. 77(3), 290-305.
16. Sari, I. (2021). Iran's New Iraq Policy After Saddam: From Sociological Dynamics to Political Realities, *The Journal of Iranian Studies*, 5(2), 427-454.
17. Seloom, M. (2024). From Rivals to Allies: Iran's Evolving Role in Iraq's Geopolitics. Available at: [https://mecouncil.org/publication\\_chapters/from-rivals-to-allies-irans-evolving-role-in-iraqs-geopolitics/](https://mecouncil.org/publication_chapters/from-rivals-to-allies-irans-evolving-role-in-iraqs-geopolitics/)
18. Walt, S. (1999), *The Origin of Alliances*, New York: Cornell University Press.

#### **Translated References to English**

1. Alishahi, A. & Forouzan, Y. & Masoudnia, H. & Majidnejad, A. (2020). Scenarios of the Independence of Iraqi Kurdistan and National Security of Iran, *Iranian Research Letter of International Politics*, 16(2), 191-214. **(In Persian)**
2. Crossette, B. (1995). Iraq Sanctions Kill Children, U.N. Reports, Available at:

<https://www.nytimes.com/1995/12/01/world/iraq-sanctions-kill-children-un-reports.html>

3. Drezner, D. (2019). Economic Statecraft in the Age of Trump, *The Washington Quarterly*, 42(3), 7–24.
4. Jaafari Valdani, A. (1992); Centers of Crisis in the Persian Gulf, Tehran, Kayhan Publishing Organization. **(In Persian)**
5. Farzaneh, M. (2008). Shi'a Ideology, Iranian Secular Nationalism and the Iran-Iraq War (1980–1988). *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 7(1), 86-103.
6. Flibbert, A. (2023). *Iraq: Power, Institutions, and Identities*, London, Routledge.
7. Hadad, H. (2024). Proxy battles: Iraq, Iran, and the turmoil in the Middle East, *The European Council on Foreign Relations*, <https://ecfr.eu/publication/proxy-battles-iraq-iran-and-the-turmoil-in-the-middle-east/>
8. Houshang Mahdavi, A. (2023), *Iran's Foreign Policy in Pahlavi Era*, Tehran: Peikan Publication. **(In Persian)**
9. Kelman, I. (2020). *Disaster Diplomacy How Disasters Affect Peace and Conflict*, London: Routledge.
10. Machlis, E. (2024). Shia, Tribalism and the Iraqi state: the ethno-religious dimension. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 1–21. <https://doi.org/10.1080/13530194.2024.2373059>
11. Mahmoudian, A. (2023). *A Comparative Study on Iraq and Afghanistan: Two Nations, Similar Journeys, Different Destinations*, in, Adib Farhadi and Anthony Masys, *The Great Power Competition*, Switzerland: Springer.
12. Mirfendereski, M. (2003). *Diplomacy and Iran's Foreign Policy*, Tehran: Elm Publication. **(In Persian)**
13. Mehrabi, A. & Ebrahimi, H. & Panahi, M. (2023). Explaining the impact of Turkey's hydropolitical approaches on the micro-dust crisis in Islamic Republic of Iran, *The Journal of Strategic Environment of the Islamic Republic of Iran*, 7(1), 89-112. **(In Persian)**
14. Mousavian, H. (2021). *Iran and The United States*, Tehran: Parseh Publication. **(In Persian)**
15. Nader, A. (2015). Iran's Role in Iraq: Room for U.S.-Iran Cooperation?, at: [https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE100/PE151/RAND\\_PE151](https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/perspectives/PE100/PE151/RAND_PE151)
16. Nair, B. (2021). Gastrodiplomacy in Tourist: Capturing Hearts and Minds through Stomachs, *International Journal of Hospitality & Tourism Systems*, Exclusive

Marketing Rights: Publishing India Group.

17. Ofra B. (2017). Has Israel's Support for Kurdistan's Independence Helped or Harmed the Kurds? *BESA Center Perspectives Paper*, at: <https://besacenter.org/wp-content/uploads/2017/11/637-Does-Israel-Help-or-Hinder-the-Kurds-Bengio-final.pdf>
18. Pourali, P. & Dehshiri, M & Ghaedi, M. & khodaverdi, H. (2020). Turkish Cultural Diplomacy in Iraq with Neo-Ottomanism Approach and Turkish Nationalism (2003-2019), *Journal of Political Research in Islamic World*, 11(1), 69-99. **(In Persian)**
19. Pourgholami, T. & Naderpour, B. (2024). Sectarian Political Identity and Political Stability in Iraq: A Comparative Analysis of the Saddam and Post-Saddam Eras, *International Studies Journal*, 21(2), 281-294. **(In Persian)**
20. Pourhassan, N. & Khoshnamvand, A. (2020). The Formation of a Soft Border in the Relations between Iran and Iraq in the Post-Saddam Epoch, *Political Strategic Studies*, 9(34), 73-105. **(In Persian)**
21. Pourhassan, N. & Khaleghinejad, M. (2017). *Paradiplomacy*, Tehran: Sokhanvaran. **(In Persian)**
22. Rachel, T. (2023). The Cult of the Persuasive: Why U.S. Security Assistance Fails. *International Security*, 47(3), 95-135.
23. Rosenberg, E. (2016). The New Tools of Economic Warfare Effects and effectiveness of Contemporary U.S. Financial Sanctions, *the Center for a New American Security (CNAS)*.
24. Sabrosky, A. (2020). *Alliances in U.S. Foreign Policy: Issues in the Quest for Collective Defense*, London: Routledge.
25. Sajadpour, M. (2024). Available at: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/2029201>
26. Saramifar, Y. (2024). Collective (Non-)Memory of the Iran-Iraq War and Sectarian Thinking among Veterans-Turned-Shi'i Militia Fighters. *The Middle East Journal*, 77(3), 290-305.
27. Sari, I. (2021). Iran's New Iraq Policy After Saddam: From Sociological Dynamics to Political Realities, *The Journal of Iranian Studies*, 5(2), 427-454.
28. Seloom, M. (2024). From Rivals to Allies: Iran's Evolving Role in Iraq's Geopolitics. Available at: [https://mecouncil.org/publication\\_chapters/from-rivals-to-allies-irans-evolving-role-in-iraqs-geopolitic/](https://mecouncil.org/publication_chapters/from-rivals-to-allies-irans-evolving-role-in-iraqs-geopolitic/)
29. Seifi, A. & Pourhassan, N. (2018). ISIS and Creation of Balance of Threat in Iran-Iraq Relations, *Studies of International Relations Studies*, 11(2), 37-63. **(In Persian)**
30. *Tasnim News Agency* (2024). <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1403/06/04/3147>
31. Walt, S. (1999), *The Origin of Alliances*, New York: Cornell University Press.

